

تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمد تقی مصباح

محمود رجبی*

چکیده

این مقاله در صدد است تا ابعاد مختلف تفسیر موضوعی را از منظر استاد محمد تقی مصباح یزدی بررسی و ویژگی‌های برجسته تفسیر موضوعی ایشان با نام معارف قرآن را بیان کند. تفسیر موضوعی عبارت است از بیان مفاد واژگان و عبارات آیات قرآن و آشکار ساختن مراد خداوند در موضوعی از موضوعات با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن و بر اساس روش گفت‌وگویی عقلایی و ادبیات عربی. تفسیر موضوعی در آثار قرآن پژوهان سه کاربرد دارد: ۱. تفسیر لفظی؛ ۲. تفسیر وصفی و تصنیفی؛ ۳. تفسیر تحلیلی و تبیینی. استاد مصباح تعبیر تفسیر موضوعی را شایسته کاربرد دوم و به ویژه کاربرد سوم می‌داند. مراحل تفسیر موضوعی از منظر استاد مصباح عبارت‌اند از: انتخاب موضوع یا مسئله، تحدید مفهومی موضوع یا مسئله، استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع یا مسئله، تعیین حد دلالت آیات، تعیین نوع ارتباط آیه با موضوع، دسته‌بندی منطقی ریزموضوعات و تفسیر هریک از آیات گردآوری شده. مهم‌ترین آسیب‌های تفسیر موضوعی از نظر استاد مصباح عبارت‌اند از: غفلت از سیاق، نگرش تک بعدی، تحمیل رأی و تطبیق‌های ناروا. ایشان علاوه بر بحث‌های نظری، در عمل برای مصون ماندن از آسیب‌های تفسیر بسیار کوشیده‌اند. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر موضوعی استاد مصباح عبارت‌اند از: فراگیری همه آموزه‌های قرآن، نظام‌واره‌سازی معارف قرآن، نگرش سیستمی (نظام‌مند) طولی، روزآمدی و آینده‌نگری، انسجام و اتقان روش شناختی. کلید واژه‌ها: تفسیر موضوعی، مراحل تفسیر موضوعی، آسیب‌های تفسیر موضوعی، ویژگی‌های تفسیر موضوعی، ضرورت تفسیر موضوعی، معارف قرآن استاد مصباح.

مقدمه

استاد فرزانه آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی دامت برکاته از اندیشمندانی است که همواره پرداختن به تفسیر و فلسفه را دو نیاز ضروری برای روحانیت و حوزه‌های علمیه می‌دانسته و هم از این‌رو، به تفسیر قرآن، اعم از ترتیبی و موضوعی، و تدریس و تحقیق در این زمینه اهتمام ویژه داشته‌اند. استاد هم‌زمان با شرکت در درس تفسیر استاد بزرگوارشان مرحوم علامه طباطبایی، به دستور ایشان دست‌نوشته‌های *تفسیر المیزان* را قبل از چاپ، مطالعه و بررسی و دیدگاه‌های خود را به محضر مرحوم علامه ارائه می‌کردند و در مواردی مرحوم علامه از نظرها و پیشنهادهای استاد استقبال می‌کردند.^۱ همچنین پس از انتشار تفسیر شریف *المیزان*، استاد جلد چهارم آن را ترجمه کردند.^۲

تفسیر ترتیبی سوره‌های حمد، بقره و قسمت‌هایی از سوره مؤمنون و فرقان، بخشی دیگر از فعالیت‌های استاد در زمینه تفسیر ترتیبی است.^۳ اما تاکنون مباحث تفسیر ترتیبی ترتیبی استاد جز بخش اندکی، منتشر نشده است.^۴ آنچه استاد در حوزه تفسیر بیشتر به آن شناخته می‌شود، تفسیر موضوعی و اثر گرانسنگ ایشان با عنوان *معارف قرآن* است. این مجموعه محصول چند دوره تدریس موضوعات و مباحث مختلف قرآنی در مدرسه حقانی و بخش آموزش مؤسسه در راه حق برای فضایی حوزه علمیه قم است که شاگردان ایشان آن را تدوین کرده‌اند.^۵

در تعدادی از کتاب‌ها و مقالاتی که در باره تفسیر موضوعی نگارش یافته، *معارف قرآن* استاد مصباح و روش ایشان در تفسیر موضوعی مورد توجه قرار گرفته است.^۶ اخیراً پایان‌نامه‌ای نیز در زمینه دیدگاه‌های استاد مصباح در باره تفسیر موضوعی تدوین یافته است.^۸ در آثار مزبور یا دیدگاه‌های استاد مصباح در ابعاد مختلف تفسیر موضوعی در مد نظر نبوده و در نتیجه بررسی همه جانبه‌ای از آن صورت نگرفته است یا آنکه فقط برخی مباحث نظری استاد در این زمینه کانون توجه قرار گرفته و به خود تفسیر موضوعی ایشان کمتر عنایت شده است.

این مقاله در صدد است تا به بررسی ابعاد تفسیر موضوعی از منظر استاد بپردازد. در این بررسی علاوه بر توجه به مطالبی که استاد در باره تفسیر موضوعی بیان کرده‌اند، معارف قرآن استاد به عنوان یکی از تفاسیر موضوعی برجسته منسجم و نظام‌مند از قرآن نیز مورد توجه قرار گرفته و دیدگاه‌های اساسی استاد در باره جوانب تفسیر موضوعی، از متن کار ایشان استخراج شده است.

تعریف تفسیر موضوعی

تفسیر قرآن کریم سابقه‌ای به قدمت نزول قرآن دارد و نخستین مفسر قرآن کریم و مبین و معلم آیات الهی، پیامبر اعظم اسلام صلی‌الله علیه‌وآله می‌باشد. تفسیر ترتیبی قرآن شیوه رایج در تفسیر آیات الهی است؛ ولی تلاش‌های صورت گرفته در زمینه فهم آیات الهی و پرده برداشتن از گوهرهای ناب آن، تنها در تفسیر ترتیبی قرآن خلاصه نمی‌شود. توضیح واژگان قرآن، گردآوری انواع مختلف ساختارهای قرآنی، دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن، تفسیر مجموعه آیات مربوط به یک موضوع، شرح و تفصیل آیه، آیات یا سوره‌ای خاص و موارد مشابه آن، از دیگر انواع قرآن‌پژوهی است که برای فهم قرآن صورت می‌گیرد. «تفسیر موضوعی» اصطلاح جدیدی است که در قرن اخیر قرآن‌پژوهان به عنوان عدل «تفسیر ترتیبی» مطرح کرده‌اند و مقصود از آن، بیان مفاد واژگان و عبارات آیات قرآن کریم و پرده برداشتن از مراد خداوند در موضوعی از موضوعات با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و بر اساس روش گفت‌وگوی عقلایی و ادبیات زبان عربی است. در این نوع از تفسیر، مفسر به جای تفسیر آیات به ترتیبی که در قرآن ثبت شده است، موضوع خاصی را محور فعالیت تفسیری قرار می‌دهد.

کاربردهای تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی کاربردهای مختلفی در آثار قرآن پژوهان دارد که مهم‌ترین آنها سه کاربرد زیر است:

۱. تفسیر الکلّمه یا تفسیر لفظی

تفسیر موضوعی در این کاربرد، بیش از آنکه یک فعالیت تفسیری باشد، فعالیت لغوی است که مفهومی تصویری از واژگان قرآنی ارائه می‌کند و دربرگیرنده مجموعه آثاری است که به نحوی به توضیح و تبیین واژه‌های به کار رفته در قرآن کریم می‌پردازد. کتب «مفردات قرآن»، «اعلام قرآن»، «غریب القرآن»، «اسماء و صفات الهی» و «اشباه و نظایر» مصداق‌های مختلف این کاربرد است و آثار نگاشته شده در مورد قسم‌های قرآن، مثل‌های قرآن و مانند آن را نیز با قدری مسامحه می‌توان در این دسته و ذیل این کاربرد جای داد.^۹

۲. تفسیر وصفی و تصنیفی

این کاربرد ناظر به آن دسته از تحقیقات قرآنی است که به دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن یا توصیف آموزه‌های قرآنی می‌پردازد، بی‌آنکه به ارائه نظر و دیدگاه قرآن و پاسخ آن به مسئله‌ای خاص منتهی شود. این کاربرد دو دسته از نگاشته‌های قرآنی را دربرمی‌گیرد: نخست آثاری که از سنخ معاجم موضوعی است و تنها به دسته‌بندی موضوعی آیات می‌پردازد. مانند تفصیل الآیات ژول بوم و المدخل الی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم سیدمحمدباقر ابطحی. دوم آثاری که به توصیف و تبیین آموزه‌های قرآنی در موضوع خاص می‌پردازد و در واقع گردآوری و تنظیم موضوعی مطالب به دست آمده از تفسیر ترتیبی یا حداکثر نوعی جمع‌بندی از مفاد و دلالت‌های آیات در تفسیر ترتیبی است. فرهنگ موضوعی قرآن کریم بهاءالدین خرمشاهی که به دسته‌بندی آیات با توجه به مفاد آنها پرداخته است، و برخی از معجم‌های موضوعی قرآن کریم نمونه‌های این دسته‌اند. تعداد قابل توجهی از کتب قصص قرآن و امثال قرآن

و موارد مشابه آن را نیز می‌توان در این دسته قرار داد.^{۱۰} وجه مشترک این دو دسته منابع آن است که هیچ‌یک از آغاز در صدد نظریه‌پردازی و دستیابی به دیدگاه قرآن در مسئله‌ای خاص از منظر قرآن نبوده و مراحل تفسیر موضوعی را که در ادامه بیان می‌شود، طی نکرده است.

۳. تفسیر تحلیلی و تبیینی

در این کاربرد، قرآن‌پژوه با طرح مسئله‌ای که نشئت گرفته از متون دینی یا مسائل علمی یا واقعیت‌های عینی و خارجی است در صدد برمی‌آید تا با مراجعه به قرآن کریم دیدگاه و نظریه قرآن را در آن مسئله کشف کند. پی‌جویی و ارائه نظریه قرآن عنصر اساسی در این کاربرد است و هر نوع قرآن‌پژوهی که فروتر از نظریه‌پردازی یا کشف دیدگاه قرآن در مسئله‌ای خاص باشد، از قلمرو آن خارج است. قرآن‌پژوه با پیمودن مراحل تفسیر موضوعی به تبیین و تحلیل آیات مربوط می‌پردازد تا به دیدگاه قرآن در آن مسئله دست یابد. معارف قرآن آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، *المدرسة القرآنية* آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر صدر، *تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی و مفاهیم القرآن* آیت‌الله جعفر سبحانی - دامت برکاتهم - مصادیق بارز این کاربرد از اصطلاح تفسیر موضوعی است؛ هرچند در بخش‌هایی از آثار یادشده کاربرد دوم و احیاناً کاربرد نخست نیز یافت می‌شود.

استاد مصباح مصادیق تفسیر موضوعی به معنای نخست را با صراحت خارج از قلمرو تفسیر موضوعی می‌داند. به نظر ایشان کاری که راغب اصفهانی در *مفردات* انجام داده یا سایر دانشمندان در آثاری مشابه آن با تفصیل بیشتر یا کمتر انجام داده‌اند، ربطی به تفسیر موضوعی ندارد و بر فرض که آن‌را تفسیر بدانیم، تفسیر الکلّمه است و کاری لغوی محسوب می‌شود.^{۱۱} وی مصادیق تفسیر موضوعی به معنای دوم مانند آیات الاحکام و قصص قرآن را بخشی از پیشینه تفسیر موضوعی می‌شمارد. ایشان در بیان پیشینه تفسیر موضوعی می‌فرمایند: «تفسیر موضوعی سابقه زیادی دارد و قرن‌هاست که

بزرگان ما کم‌وبیش این روش را داشته‌اند و آیات الاحکام، امثال قرآن یا داستان‌ها و قصص انبیا را تألیف کرده‌اند.^{۱۲}

از آنجا که استاد مصباح کشف و ارائه پاسخ قرآن به یک مسئله را عنصر اساسی در تفسیر موضوعی به شمار می‌آورد، می‌توان گفت ایشان اصطلاح تفسیر موضوعی را شایسته کاربرد دوم و به ویژه سوم می‌داند.^{۱۳} ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

در تفسیر ترتیبی، کسانی که مایل‌اند به تفسیر آیات قرآن پردازند، از یک جا شروع نموده، به ترتیب آیات پیش می‌روند و بالطبع کسانی که در صدد تفسیر همه قرآن هستند، از سوره «حمد» شروع کرده و به سوره «ناس» ختم می‌کنند. عمده تفسیرها این‌گونه هستند. در مقابل، گاهی به جای اینکه مفسر سوره‌ای را انتخاب نموده و از اول تا آخر آن را تفسیر کند، مطلب یا سؤال خاصی به قرآن کریم عرضه می‌کند تا پاسخش را از قرآن به دست آورد. معمولاً به دست آوردن این جواب از یک آیه حاصل نمی‌شود، به خصوص اگر ما بدانیم آیات متعددی در این زمینه هستند که مفاهیمشان کمابیش با یکدیگر متفاوت است و هریک به جنبه‌ای از موضوع پرداخته است. فرض کنید فردی می‌خواهد نظر قرآن را درباره کسانی که بهشتی می‌شوند، نجات می‌یابند و اهل فلاح هستند (مفلحین) بدانند و شرایط آنها را جویا شود. می‌دانیم که این واژه در قرآن زیاد استعمال شده و در هر جایی شرایط خاصی ذکر گردیده که عین هم نیستند. آن‌گونه نیست که هر جا کلمه «مفلح» یا «افلح» یا «فلاح» آمده باشد، فقط چند مفهوم مخصوص از آن برداشت بشود. به هر حال، پیش از اینکه مراجعه کنیم، برای ما این احتمال هست که در یک جا بعضی از اوصاف ذکر شده و در یک جا بعضی از اوصاف دیگر گفته شده باشد. احتمال هم می‌دهیم که گاهی بین این برداشت‌هایی که از آیات می‌شود دست‌کم تضاد ابتدایی وجود داشته باشد. حال چگونه باید اینها را جمع کرد؟ مثلاً، در رابطه با «مفلحین»، قرآن در آیاتی برپاکردن نماز و پرداخت زکات را، و در آیه‌ای دیگر خشوع در نماز را شرط می‌داند: *قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ*

فَاعِلُونَ * وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (مؤمنون: ۱-۵) ما باید اینها را جمع آوری کنیم تا بفهمیم مجموعاً چه چیزهایی از نظر قرآن در فلاح دخالت دارد. پس محور ما در بحث، خود موضوع است نه آیه و یا سوره قرآن؛ یعنی تلاش ما در تفسیر موضوعی مبتنی بر آیه خاص و بلکه سوره خاصی نیست، بلکه تلاش ما مبتنی بر مطالب خاص و موضوعی خاص بوده و این، تفسیر موضوعی است. بنابراین، فرق تفسیر موضوعی با ترتیبی این است که در تفسیر ترتیبی، محور، ترتیب آیات قرآن است؛ مثلاً، ما سوره‌ای مثل سوره «فاتحة الكتاب» را به ترتیب از «بسم الله الرحمن الرحيم» تا «ولا الضالین» بحث می‌کنیم؛ اما در تفسیر موضوعی می‌خواهیم جواب مطلبی را در قرآن پیدا کنیم که احتمالاً چندین آیه بدان اشاره کرده است. از این رو، مسئله مربوط به موضوع خاصی از دیدگاه قرآن و محور تفسیر بررسی آیات مرتبط با آن موضوع است.^{۱۴}

پیشینه تفسیر موضوعی

پیشینه هر رشته یا گرایش علمی و حتی یک موضوع یا مسئله علمی قبل از هر چیز وابسته به تعریف یا کاربرد خاصی است که محقق از آن مد نظر دارد.

پیشینه تفسیر موضوعی در کاربرد اول و دوم (تفسیر الکلّمه و تفسیر وصفی و تصنیفی) سابقه‌ای طولانی دارد و می‌توان آن را تا صدر اسلام و زمان نزول قرآن پیگیری کرد.^{۱۵} ولی تفسیر موضوعی در کاربرد سوم (تحلیلی و تبیینی) و به عنوان عدل تفسیر ترتیبی سابقه‌ای چندان طولانی ندارد و آنچه را در قرون پیشین وجود داشته است می‌توان خمیرمایه و ادبیات تفسیر موضوعی به این معنی دانست؛ اما اصطلاح تفسیر موضوعی به عنوان نوعی از تفسیر در برابر تفسیر ترتیبی در قرن اخیر مطرح شده و در این خصوص و با این هدف آثاری پدید آمده است. استاد مصباح در این زمینه می‌فرماید: «گرچه تفسیر موضوعی سابقه زیادی دارد ... ولی اصطلاح تفسیر موضوعی، اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در مقابل تفسیر ترتیبی قرار دارد».^{۱۶}

ضرورت تفسیر موضوعی

در ضرورت و اهمیت تفسیر ترتیبی تردیدی نیست، ولی این نوع از تفسیر به تنهایی نمی‌تواند در دوران معاصر پاسخ‌گوی همه نیازهای ضروری جوامع اسلامی و از جمله جامعه اسلامی ما در قلمرو قرآن پژوهی باشد. ضرورت پرداختن به تفسیر موضوعی و توسعه این نوع از قرآن پژوهی برای تأمین نیازهای فکری جامعه اسلامی دلایل مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. با توجه به اشتیاق و استقبال شدید قشرهای تحصیل‌کرده، به‌ویژه قشر جوان، برای آگاهی از دیدگاه قرآن در مسائل فردی و اجتماعی لازم است با بهره‌گیری از روش صحیح و معتبر فهم آموزه‌های قرآنی از طریق تفسیر موضوعی، دیدگاه‌های قرآن در مسائل فردی و اجتماعی، در موضوعات مختلف استنباط و استخراج گردد و به تشنگان معارف اسلامی ارائه شود.

کوتاهی در این وظیفه مهم سبب می‌گردد کسانی که اشتیاق فراوان به فراگیری آموزه‌ها و دیدگاه‌های قرآنی دارند، بر اثر نیافتن معارف ناب قرآنی در دام شیاطین و اندیشه‌های انحرافی مفسران به رأی افتند یا خود بی‌آنکه شرایط لازم برای کشف روشمند معارف قرآن را داشته باشند، وارد عمل شوند و دچار تفسیر به رأی و انحراف در فهم دیدگاه قرآن گردند. استاد در این باره می‌فرماید:

بی‌شک، یکی از واجب‌ترین وظایف روحانیت این است که تلاش کند تا تمام مفاهیم قرآن را هر چه صحیح‌تر و متقن‌تر در سطوح مختلف (عالی، متوسط و ساده) تبیین کند و در دسترس جامعه قرار دهد و این کار حتماً باید صورت پذیرد وگرنه علاوه بر آنچه که اکنون جریان دارد؛ منتظر انحرافات دیگری هم باید بود. امروز بیشتر جوانان مسلمان عمیقاً در صددند و بی‌تابانه می‌خواهند تا مفاهیم قرآن را یاد بگیرند و حتی به خیال خودشان با رجوع به معجم و امثال آن، می‌خواهند تحقیق هم بکنند و خیال می‌کنند این، کار ساده‌ای است. شاید آنها در این گمان خود معذور باشند، ولی کسانی که سال‌ها در حوزه‌های علمیه بوده‌اند و دقت در

آیات و روایات را از بزرگان آموخته‌اند، اگر آنها هم، چنین بیندیشند، حقاً معذور نخواهند بود.

وظیفهٔ ماست از موازینی که علما و مفسران بزرگوار به دست ما سپرده‌اند بهره‌گیری و با تدبر بیشتر سعی کنیم که مفاهیم روشنی از قرآن به دست آوریم و به جامعه عرضه کنیم تا دین خود را به اسلام و قرآن ادا کرده باشیم. از سوی دیگر، اگر چه فهمیدن معانی و تفسیر قرآن به سادگی میسر نیست، اما اگر به کسی که می‌خواهد قرآن را بفهمد بگوییم که باید ۳۰ سال کار کند و درس بخواند تا قرآن را بفهمد؛ او را از فراگیری معنای قرآن مأیوس کرده‌ایم. و نتیجهٔ آن، افکندن او در دامن منحرفان است. درست است که فهمیدن قرآن، احتیاج به زحمات‌های ویژه و تخصص‌هایی دارد، ولی سرانجام این زحمات را باید عده‌ای بکشند و حاصلش را در اختیار دیگران قرار دهند تا استفاده کنند.^{۱۷}

۲. عصر ما عصر ارائهٔ نظریه‌ها، مکتب‌ها و نظام‌هاست و عرضهٔ مناسب معارف قرآن و اسلام در این عرصه می‌طلبد که ما نیز آموزه‌های قرآن کریم را در قالب نظریه و نظام و مکتب و به صورت یک مجموعهٔ منسجم ارائه کنیم. این کار با تفسیر ترتیبی صرف امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در تفسیر ترتیبی آموزه‌های قرآنی به صورت پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر و بدون قالب‌های نظریه‌پردازی و نظام‌سازی مطرح می‌شود و ارائهٔ معارف قرآن به این صورت فاقد هم‌زبانی و هم‌ترازی و هم‌آوردی با مکتب‌ها و نظام‌های دیگر است و در نتیجه قابل عرضه در برابر آن نظام‌ها نیست. افزون بر آن، فراگیری آموزه‌های قرآنی از طریق تفسیر ترتیبی و به صورت پراکنده به لحاظ آموزشی دشوار و برای غیرقرآن‌پژوهان ناممکن است.

استاد در این زمینه می‌فرماید:

آنچه عرضه می‌کنیم باید مطالبی باشد که استنادش به قرآن جای هیچ‌شکی نداشته باشد و در عین حال به صورت پراکنده و بدون ارتباط و نظم هم نباشد؛ زیرا اگر مطالبی را پراکنده عرضه کنیم، علاوه بر اینکه یادگیری آن مشکل است،

فایده‌ای را که از یک نظام فکری صحیح در مقابل نظام‌های فکری غلط باید گرفت، نیز نخواهد داشت.

همهٔ مکتب‌های منحرف کوشیده‌اند به افکار و اندیشه‌های خود شکل و نظامی بدهند؛ یعنی برای مطالبشان ریشه‌ای معرفی کنند و با ارتباط و پیوند با سلسله مسائلی منسجم، یک کل منظم و هماهنگ به وجود آورند. ما که در جهت صحیح هستیم، در مقابل آنها عیناً باید همین کار را بکنیم؛ یعنی معارف قرآن را به صورت سیستماتیک و منظم عرضه کنیم. به صورتی که پژوهشگر بتواند از یک نقطه شروع کند و زنجیروار حلقه‌های معارف اسلامی را به هم ربط بدهد و در نهایت به آنچه هدف قرآن و اسلام است، نائل شود.

پس ناچاریم معارف قرآنی را دسته‌بندی کنیم و به آنها شکلی بدهیم تا آموختن آنها برای جوانانی که وقت کمی دارند، آسان و نیز در مقابل نظام‌های فکری دیگر قابل عرضه باشد.^{۱۸}

۳. در پرتو انقلاب شکوهمند اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، اسلام، و قرآن، به عنوان محوری‌ترین کتاب آموزه‌های اسلامی مورد توجه بی‌سابقه‌ای قرار گرفت و ضرورت تفسیر موضوعی قرآن به دلیل‌های زیر نمایان‌تر شد. در شرایطی که دین و آموزه‌های دینی به حاشیه رانده شده بود و سکولاریزم سخن اول و آخر را در عرصهٔ زندگی اجتماعی می‌زد، انقلاب اسلامی توانست نظامی با سابقه طولانی و مورد حمایت ابرقدرت‌ها را سرنگون کند و نظامی نو بر اساس آموزه‌های دینی و قرآنی مستقر سازد. این امر سبب خویشتن‌باوری مجدد مسلمانان بلکه همهٔ پیروان ادیان الهی و نفی سکولاریزم در سطح جهان گردید و عطش و اشتیاق شدیدی برای آگاهی از آموزه‌ها و دیدگاه‌های قرآن در مسائل مختلف زندگی پدید آورد و ضرورت مضاعف استخراج و ارائهٔ دیدگاه‌های قرآن را از طریق تفسیر موضوعی جلوه‌گر ساخت.

با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران نیازهای فکری متعدد و متنوعی در سطح ملی و بین‌المللی برای نظام در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی

خودنمایی کرد که می‌بایست دیدگاه‌های قرآنی در مورد آنها استخراج و در اختیار مسئولان نظام قرار می‌گرفت تا کارآمدی اسلام و نظام اسلامی در سطح ملی و بین‌المللی تثبیت شود و نظام اسلامی، همان‌گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است، بر بنیان‌های اسلامی و قرآنی و مطابق با موازین قرآنی و اسلامی اداره شود. غفلت از این امر زمینه را برای نفوذ تدریجی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های غیراسلامی در نظام و استحاله نظام از درون فراهم می‌سازد. این، خود دلیل دیگری بر اهمیت و ضرورت ویژه تفسیر موضوعی در زمان ماست.

۴. دشمنان اسلام در مقابله با اسلام ناب و نظام اسلامی، راهبرد خود را بر تهاجم و شبیخون فرهنگی متمرکز ساخته و با صرف هزینه‌های هنگفت و با بهره‌گیری از همه امکانات نو، تحریف آموزه‌های قرآنی و شبه‌افکنی و تشکیک در اعتبار و کارآمدی قرآن و آموزه‌های آن را مهم‌ترین محور مبارزه خویش با اسلام و نظام قرار داده‌اند و این امر ضرورت تفسیر موضوعی با هدف تبیین صحیح دیدگاه قرآن و دفاع از کیان قرآن و نظامی اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی را نمایان‌تر می‌سازد

روش و مراحل تفسیر موضوعی

۱. انتخاب موضوع یا مسئله

نخستین مرحله در تفسیر موضوعی، انتخاب موضوع یا مسئله است. درباره ویژگی‌های موضوع و منبع انتخاب آن، برخی قرآن‌پژوهان بر منبع خاص یا ویژگی‌های معینی تأکید کرده‌اند. برای مثال مرحوم شهید سیدمحمدباقر صدر بر گزینش موضوع از متن زندگی انسانی و داده‌های تجربی تأکید دارند.^{۱۹}

آیت‌الله مصباح نیز در طرح مباحث تفسیر موضوعی (معارف قرآن) به مسائل روز و نیز مسائل مطرح در علوم اسلامی توجه داشته و از قرآن کریم نیز فراوان بهره برده‌اند، ولی در انتخاب موضوع نه بر منبع خاصی تأکید دارند و نه ویژگی‌های معینی را ذکر

تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد مصباح ❖ ۱۲

کرده‌اند؛ تنها به تنوع مصادر موضوعات در تفسیر موضوعی جزءنگر اشاره کرده و فرموده‌اند: «تفسیر موضوعی جزءنگر به سؤالاتی که در ذهن ما پدید می‌آیند پاسخ قرآنی می‌دهد؛ این سؤالات گاهی از فقه است گاهی از اخلاق، گاهی از فلسفه، گاهی از خداشناسی و...»^{۲۰}

۲. تحدید مفهومی موضوع یا مسئله

تحدید مفهومی موضوع یا مسئله نکته دیگری است که در استفاده درست از آیات در تفسیر موضوعی نقش مهمی دارد. استاد مصباح هرچند در خصوص مراحل تفسیر موضوعی به آن تصریح نکرده است، ولی یکی از موضوعات مورد تأکید ایشان در مباحث علمی، مشخص کردن حدود مفهومی واژگان و ایضاح آنهاست. ایشان معتقدند منشأ بخشی از سوءفهم‌ها، مغالطات و اختلاف نظرها و خطاها در مباحث علمی، عدم تحدید مفهومی واژگان بحث است. برای آنکه هر مسئله حل روشنی پیدا کند، باید واژگانی که در عنوان آن ذکر می‌شود کاملاً تبیین شود و اگر اشتراک یا تشابهی دارد به کلی رفع گردد.^{۲۱}

۳. استخراج و گردآوری آیات

در گردآوری آیات، استاد بر سه نکته تأکید دارند:

نخست مراجعه مستقیم به قرآن است. ایشان اکتفا به معاجم موضوعی و پیگیری موضوع از طریق کلیدواژه‌ها را رهن می‌دانند و بر این نکته تصریح می‌کنند که در بسیاری از موضوعات دیدگاه قرآن از محتوای کلی آیات به دست می‌آید، بدون آنکه واژه مورد نظر یا واژگان مترادف و متقارب آن در آیات به کار رفته باشد.

نکته دوم آنکه برای استخراج آیات مربوط به هر موضوع مستقل، ضرورت دارد یک نوبت کل قرآن مطالعه شود و از بررسی چند موضوع مستقل، با هم و با یک بار مطالعه پرهیز گردد؛ زیرا مطالعه، قرآن برای استخراج دو یا چند موضوع سبب می‌شود که از بسیاری آیات مربوط به موضوع غفلت شود.

نکته سوم آنکه در گزینش آیات نباید تنها آیاتی که ارتباط آنها با موضوع قطعی است ثبت شود، بلکه در این مرحله همه آیات مرتبط با موضوع یا مسئله اعم از یقینی و احتمالی ثبت می‌گردد.

حضرت استاد در این زمینه می‌فرماید:

تفسیر موضوعی چند مرحله دارد. یکی از مراحل، جمع‌آوری آیات مربوط به آن موضوع است. مثلاً برای مسئله «حجاب» یک راه ساده این است که هرچه کلمه حجاب در قرآن هست جمع‌آوری کنیم؛ یعنی به «معجم المفهرس» مراجعه کنیم، هرچه کلمه حجاب است پیدا نماییم. این روش مطلوبی نیست؛ چراکه موضوعی که ما به دنبالش می‌گردیم همیشه با لفظ «حجاب» نمی‌آید؛ ممکن است لفظ «ستر» یا عناوین دیگری باشد. یک وقت ما مطمئن هستیم که هرچه آیه درباره این موضوع هست، از چند کلمه خارج نیست. اگر چنین اطمینانی داشته باشیم، می‌توانیم به جای یک کلمه به چند کلمه مراجعه کنیم. فرض کنید در مورد حجاب، از کلمه «ستر» هم استفاده کنیم؛ ولی این هم کافی نیست؛ زیرا گاهی اصلاً آن واژه در آیه به کار نرفته است و از سیاق آیات این مطلب استفاده می‌شود. بنابراین، روش صحیح در تفسیر موضوعی این است که مفسر در هر موضوعی که می‌خواهد بررسی کند، دست‌کم یک بار از اول سوره «حمد» تا آخر سوره «ناس» قرآن را با دقت ببیند که این آیه آیا ارتباطی با آن موضوع دارد، آن را در فیش یادداشت کند. اگر موضوع مهمی باشد، یک بار هم کافی نیست، لازم است یک بار دیگر هم حتماً با وسواس مراجعه کند تا ببیند چیزی از قلم نیفتاده باشد؛ زیرا ممکن است مفهوم یک آیه، توجه‌اش را جلب کند و از نکته خاصی غافل شود. این اتفاق افتاده است.^{۲۲}

۴. تعیین حد دلالت آیات

در این مرحله، آیات گردآوری‌شده مرور می‌شود و حد دلالت هر یک بر مطلب مورد نظر تعیین و به این طریق آیات صریح، اظهر، ظاهر و احتمالی مشخص می‌گردد.

در این مرحله، مفسر باید آیات جمع‌آوری شده را مرور کند تا دریابد این احتمالات چقدر ارزش شناختی دارد: ده درصد، پنجاه درصد، هفتاد درصد یا صد درصد. البته این‌گونه درجه‌بندی کار مشکلی است، اما دست‌کم می‌توانیم آنچه را اطمینان‌آور است و ظن قوی از آن پیدا می‌شود، دسته‌بندی کنیم و از احتمالات دیگر درگذریم. دست‌کم با دو مشخصه آنها را درجه‌بندی می‌کنیم: یکی احتمال ظهور در معنی، و دیگری از حیث اهمیت که می‌توان با علامتی نظیر یک ستاره و دو ستاره آنها را مشخص سازیم.^{۲۳}

۵. تعیین نوع ارتباط آیه با موضوع

در این مرحله از تفسیر موضوعی، مفسر برداشت اجمالی و ابتدایی خود از هر آیه را در خصوص موضوع مورد بررسی ثبت و به تعبیری هر آیه را نشاندار می‌کند و این نشانه‌گذاری بر آیات پیش از بررسی تفصیلی و تفسیر کامل آنهاست. هدف از این مرحله زمینه‌سازی برای دسته‌بندی آیات گردآوری شده و تهیه فهرست ریز موضوعات مربوط به مسئله مورد بررسی است.^{۲۴} استاد در این باره می‌گوید:

مرحله دیگر که در تفسیر ترتیبی هم می‌آید، برداشت ابتدایی از آیه است؛ یعنی اینکه ما خودمان، صرف‌نظر از احتمالات عقلی، علمی و تاریخی، از این آیه چه می‌فهمیم؟ در این مرحله، برداشت اجمالی از آیه به دستمان می‌آید. بعد - مثلاً - می‌گوییم حجاب با توجه به سنین اشخاص فرق می‌کند، حجاب مرد برای زن، حجاب زن برای مرد، و سایر چیزهایی که به نظرمان می‌رسد. البته تشخیص این موارد مشکل است.^{۲۵}

۶. دسته‌بندی منطقی ریز موضوعات

در تفسیر موضوعی هر موضوع مورد بررسی ریز موضوعاتی دارد که تا این مرحله شناسایی شده‌اند. دسته‌بندی این ریز موضوعات، نقشه راه برای استفاده نهایی از آیات است و به نحوی به دسته‌بندی نهایی آیات می‌انجامد. در این مرحله چنانچه چند دسته

ریز موضوعات وجود داشته باشد یا مفسر تفسیر کل آیات قرآن را در مد نظر داشته باشد، علاوه بر دسته‌بندی ریز موضوعات، باید ترتیب منطقی میان دسته‌های مختلف ریز موضوعات (عناوین کلی تفسیر موضوعی جامع قرآن) را نیز مشخص و فهرست محتوایی کلان مباحث را تهیه نماید. استاد در این زمینه می‌فرماید:

مرحله چهارم؛ پس از فهم اجمالی آیات، نوبت دسته‌بندی موضوعات مختلف و ریزی است که ممکن است تحت یک عنوان کلی مانند «حجاب» مطرح شود. مرحله بعد از دسته‌بندی - که البته این کار را ضمن دسته‌بندی ولی به عنوان کار خاص هم می‌شود انجام داد - ترتیب بین این دسته‌بندی‌هاست؛ یعنی پس از مشخص کردن تعداد دسته‌ها، بین آنها ترتیب برقرار کنیم.^{۳۱}

۷. تفسیر هر یک از آیات گردآوری شده

در این مرحله مفسر به تفسیر ترتیبی آیات می‌پردازد تا به مفاد آنها به صورت دقیق دست یابد و با آن، برداشت اجمالی و ابتدایی خود را محک زند. مفسر باید مراحل روش تفسیر ترتیبی را در چارچوب قواعد تفسیر ترتیبی ببیند. شناخت دقیق مفاد هر واژه در زمان نزول، کاربرد قرآنی آن در آیه مورد بحث، فهم ساختارهای آیه طبق قواعد ادبی و توجه به قراین داخلی و خارجی مانند سیاق و قراین عقلی، تاریخی و روایی، از جمله مواردی است که باید در این مرحله بدان توجه کرد.

نکته شایان اهمیت آن است که قراین و منابع باید از اعتبار لازم برخوردار باشد و در این مرحله و کلاً در تفسیر قرآن نمی‌توان امور حدسی، احتمالی و غیرمعتبر را مبنای تحقیق و تکیه‌گاه تفسیر قرار داد.

استاد در این زمینه می‌فرماید:

باید مطمئن شویم معنای دقیق هر آیه، همان است که ما برداشت کرده‌ایم... مفسر باید بگردد تا معنای لغوی و عرفی آن کلام را بفهمد؛ به‌خصوص اگر می‌تواند با توجه به دلایل و شواهد، معنایی را که در زمان نزول مقصود بوده ملاک عمل قرار

دهد، باید با قراین به دست آوریم که دقیقاً مفهوم عرفی فلان آیه در زمان نزول چه بوده است... پس از کندوکاو در خود آیه و تأمل و تعمق در الفاظ آن و استفاده از ادبیات و قراین کلامی، نوبت به بررسی قراین خارجی می‌رسد که گاهی در مفاهیم آیات تعیین‌کننده است... ولی گاهی این‌گونه نیست که قراین خود آیه دقیقاً برای ما زمان و مکان، مشخصات، جزئیات و ابهامات را مشخص کند؛ از این‌رو، سعی می‌کنیم از آیات دیگر کمک بگیریم تا مسئله را تعین ببخشیم و ابهام آن را رفع کنیم. اما اگر حل نشد نوبت به روایات یا احیاناً مباحث عقلی می‌رسد، البته به شرطی که آنها هم معتبر باشد.^{۲۷}

نکته پایانی در این خصوص آن است که تفسیر موضوعی ذو مراتب است. گاه در تفسیر موضوعی می‌خواهیم با توجه به آیات مربوط دیدگاه قرآن را به دست آوریم و گاه فراتر از آن، در مقام سنجش این دیدگاه با دیدگاه‌های قرآن در دیگر موضوعات مرتبط با این موضوع در درون یک نظام نیز هستیم. برای مثال گاه حکم حجاب را با توجه به آیات مربوط به حجاب به دست می‌آوریم، ولی گاه از این فراتر رفته، به سنجش بنیان‌ها و نظام‌های مختلف قرآنی با نظریه حجاب می‌پردازیم و نظریه حجاب را با نظام اخلاقی، نظام عقیدتی، نظام خانواده و انسان‌شناسی قرآنی هم می‌سنجیم. اینها مراتب مختلف تفسیر موضوعی است و تفسیر موضوعی را نباید به تفسیر موضوعی جزءنگر منحصر دانست.

استاد در این زمینه می‌فرماید:

تفسیر موضوعی ذو مراتب است: یک وقت تفسیر موضوعی را به این معنا می‌گوییم که درباره یک موضوع خاص است، صرف‌نظر از ارتباطی که با سایر موضوعات دارد. یک وقت تفسیر یک موضوع را در نظر قرآن با لحاظ سایر موضوعات مربوط به خودش که ارتباط روشنی با آنها دارد، مثل پوشش و تبرج بررسی می‌کنیم و یک وقت هم می‌خواهیم نظر قرآن را درباره کل

تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد مصباح ❖ ۱۷

موضوعات به صورت یک نظام کامل مد نظر گیریم که آن طبعاً یک احاطه دیگری
[لازم] دارد.^{۲۸}

اقسام تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی به لحاظ قالب و محتوا - با صرف نظر از تفسیر لفظی یا تفسیر الکلّمه
- انواعی دارد، از جمله:

۱. به لحاظ دامنه و حجم آیات و سوره‌ها به تفسیر موضوعی یک سوره یا مجموعه
آیات و تفسیر موضوعی کل قرآن؛

۲. به لحاظ اجمال و تفصیل تفسیر، به تفسیر موضوعی مختصر، متوسط و مفصل؛

۳. به لحاظ فراگیری همه موضوعات و آموزه‌های قرآن به تفسیر موضوعی جزءنگر
و تفسیر موضوعی کل نگر و جامع؛

۴. به لحاظ ماهیت و سنخ‌شناسی به تفسیر موضوعی «لفظی»، «توصیفی و تصنیفی»
و «تحلیلی و تبیینی»؛

۵. به لحاظ برد نظریه‌ای که از آیات به دست می‌آید، به تفسیر موضوعی کوتاه‌برد،
میان‌برد و کلان‌برد؛

۶. به لحاظ الگو تحلیل و تبیین به تفسیر موضوعی کارکردی، علی و غایی؛

۷. به لحاظ ارزشی یا غیر ارزشی بودن، به تفسیر موضوعی هستی‌شناختی،
ارزش‌شناختی و هنجارشناختی.

۸. به لحاظ آمیخته بودن یا نبودن تفسیر موضوعی با تفسیر ترتیبی به تفسیر
موضوعی محض و تفسیر موضوعی تلفیقی.

دیدگاه قرآن در موضوعات مختلف می‌تواند بیانگر رابطه پدیده‌ها در سطحی بسیار
گسترده و وسیع باشد؛ مانند مواردی که از قوانین جهان‌شمول یا فراگیر کل پدیده‌های
انسانی است. چنین مواردی از مصادیق تفسیر موضوعی کلان‌برد است. مباحث

خداشناسی و بخشی از مباحث انسان‌شناسی معارف قرآن نمونه‌های تفسیر کلان برد به‌شمار می‌آیند.

تفسیر موضوعی کوتاه‌برد ناظر به آن بخش از تفاسیر موضوعی است که نظریه قرآن در باره موضوعات و مسائل خرد را بیان می‌کند؛ مانند برخی مباحث مربوط به ساختار معناشناختی واژگان قرآنی در مباحث اخلاق در قرآن و جلد اول قرآن‌شناسی و نیز بخش‌هایی از جهان‌شناسی و راه و راهنماشناسی که مصادیق متعددی از تفسیر موضوعی کوتاه‌برد را می‌توان در آنها یافت.

تفسیر موضوعی میان‌برد بیانگر آن دسته از دیدگاه‌های قرآنی است که نه به گستردگی تفسیر موضوعی کلان‌برد و نه به محدودیت تفسیر موضوعی کوتاه‌برد است. قسمت درخور توجهی از مباحث مربوط به نهادهای اجتماعی و دگرگونی اجتماعی که استاد در کتاب جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن بحث کرده‌اند، از مصادیق تفسیر موضوعی میان‌برد است.

تفسیر موضوعی کارکردی به بخشی تفاسیر نظر دارد که بیانگر پیامدها و نتایج است و در معارف دینی با عنوان حکمت احکام و آموزه‌های قرآنی از آن یاد می‌شود و در برخی از آیات با تعبیر تأویل از آن یاد شده است؛ مانند وَ زِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (اسراء: ۳۵).

تفسیر موضوعی علی در صدد یافتن رابطه‌های علی و معلولی در موضوعی خاص از منظر قرآن است و تفسیر موضوعی غایی به غایت‌شناسی و علل غایی در - اصطلاح فلسفی - در موضوعی از موضوعات قرآنی از منظر قرآن می‌پردازد.

مفسر در تفسیر موضوعی گاه در صدد کشف دیدگاه‌های هستی‌شناختی به مفهوم عام آن است که هر گونه اظهار نظر در روابط تکوینی را دربرمی‌گیرد، و گاه در صدد دستیابی به بخشی از نظام ارزشی اسلام به معنای عام آن است که آرمان‌ها و هنجارها را در بر می‌گیرد. نوع نخست از تفسیر موضوعی را می‌توان تفسیر موضوعی هستی‌شناختی نامید و در نوع دوم چنانچه کشف آرمان‌ها و ارزش‌ها به معنای خاص

تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد مصباح ❖ ۱۹

آن مد نظر مفسر باشد، تفسیر موضوعی ارزش‌شناختی و چنانچه احکام اخلاقی و فقهی مد نظر باشد تفسیر موضوعی هنجارشناختی به شمار می‌آید.

با این بیان بخشی زیادی از مباحث اخلاق در قرآن و حقوق و سیاست در قرآن تفسیر موضوعی ارزش‌شناختی و هنجارشناختی است و بخش‌های دیگر معارف قرآن حتی در بخش اخلاق نیز تفسیر هستی‌شناختی موضوعی به معنای عام کلمه است. استاد مصباح از میان این مجموعه اقسام تفسیر موضوعی، تنها از تفسیر موضوعی کل‌نگر، تفسیر موضوعی جزءنگر، تفسیر موضوعی محض و تفسیر تلفیقی ترتیبی - موضوعی یاد کرده‌اند.^{۲۹}

آسیب‌شناسی تفسیر موضوعی

تفسیر موضوعی با همه مزایایی که دارد، از برخی آسیب‌ها - ی البته اجتناب‌پذیر - رنج می‌برد. اهم این آسیب‌ها به شرح زیر است:

۱. غفلت از سیاق

در تفسیر موضوعی گاه یک بخش از یک آیه و گاه یک آیه از مجموعه چند آیه تقطیع می‌شود و مورد استناد قرار می‌گیرد. در صورتی که هم بخش‌های مختلف یک آیه و هم نوعاً هر یک از آیات با تعدادی از آیات قبل یا بعد از خود پیوند دارد و سیاق واحدی را تشکیل می‌دهد؛ در این‌گونه موارد تقطیع بخش‌ها و جملات مختلف، زمینه‌ساز غفلت از سیاق می‌گردد و مفسر موضوعی همواره در معرض این مخاطره است که بر اثر غفلت از سیاق آیات و جملات، در فهم مراد خداوند از آیات و کشف نظریه قرآنی دچار خطا شود. استاد در این زمینه می‌فرماید:

اگر ما به موضوعات توجه کنیم و از ترتیب آیات غافل شویم، ممکن است سیاق آیه و مقدمات و مؤخرات آیات در فهم معنای جمله‌ای که می‌خواهیم استفاده کنیم، دخالت داشته باشد و در تفسیر موضوعی این امر ممکن است آسیب وارد کند. این دو آسیب واقعاً جای توجه دارد.^{۳۰}

۲. نگرش تک‌بعدی

در تفسیر موضوعی، مفسر بر موضوعی خاص متمرکز می‌شود و آنچه را ارائه می‌کند - جز در تفاسیر موضوعی جامع - دیدگاه قرآن در یک مسئله خاص است؛ تمرکز تفسیر موضوعی بر مسئله خاص مخاطب را در همان بعد اشباع می‌کند و در نتیجه به سایر ابعاد وجودی انسان نمی‌پردازد و رشد و تکامل متوازن ابعاد مختلف وجودی انسان در پرتو آن حاصل نمی‌شود.

۳. تحمیل رأی و تطبیق ناروا

آسیب دیگری که میان تفسیر موضوعی و ترتیبی مشترک است ولی زمینه‌های آن در تفسیر موضوعی بیشتر وجود دارد تحمیل و تطبیق ناروای آرا و نظریات بر آیات است. از آنجا که مفسر موضوعی در صدد نظریه‌پردازی با استناد به آیات در موضوعی خاص است، نهایت کوشش خود را به کار می‌بندد تا نظریه‌ای را ارائه کند و به همین دلیل اشتیاق به نظریه‌پردازی می‌تواند او را به ورطه تحمیل رأی و تطبیق ناروای آیات سوق دهد.^{۳۱}

آسیب‌های یادشده همگی مورد توجه استاد مصباح بوده و ایشان در عمل نیز در زوددن آن فراوان کوشیده‌اند. استاد بزرگوار در مجموعه معارف قرآن درباره غفلت از سیاق در مقدمه و همان آغاز کتاب هشدار داده و راهکار مصونیت از آن را ارائه کرده است:

باید توجه داشت که وقتی ما آیه‌ای را از سیاق ویژه آن خارج کردیم و آن را تنها و بدون رعایت قبل و بعد در نظر گرفتیم، ممکن است مفاد واقعی‌اش به‌دست نیاید.

برای آنکه به این محذور دچار نشویم و آیات مثله و تکه‌تکه نشود و از مفاد واقعی‌اش خارج نگردد، باید خیلی دقت کنیم؛ یعنی وقتی می‌خواهیم آیه‌ای را زیر موضوعی و عنوانی قرار دهیم باید آیات قبل و بعد را هم در نظر بگیریم و اگر احتمال می‌دهیم که در آیات قبل و بعد قرینه‌ای وجود دارد، آنها را هم ذکر کنیم. هیچ مانعی ندارد آیه‌ای را که می‌خواهیم مورد استفاده قرار دهیم با آیه قبل و بعد

ذکر کنیم و آن دو آیه را بین پرائنز قرار دهیم تا موقع مراجعه به آیه، آن «قراین کلامی» مورد غفلت واقع نشود. این نکته را باز تکرار می‌کنم که همیشه باید به قراین قبل و بعد توجه داشته باشیم.^{۳۲}

آسیب دوم را حضرت استاد با طرح جامع معارف قرآن که در بردارنده مسائل و ابعاد مختلف معرفتی، انگیزشی و رفتاری انسان در حوزه فردی و اجتماعی است و با بیانی اثرگذار و تحول‌آفرین زوده‌اند.

آسیب سوم نیز موضوعی است که همواره استاد بر آن تأکید ورزیده و درباره آن هشدار داده‌اند و با ذکر نمونه‌هایی از تفسیرهای نادرست افراد و گروه‌های منحرف یا ناآگاه، بر تفسیر به رأی و انحرافی بودن آن دیدگاه‌ها تأکید و در مورد آن هشدار داده‌اند:

رعایت این نکته بسیار مهم است که واقعاً در صدد فهم آیه باشیم نه آنکه پیشاپیش چیزی را پذیرفته باشیم و بعد بخواهیم همان را بر آیات تطبیق کنیم، خواه آن پیش‌داوری‌ها ناشی از مفاهیم فلسفی باشد یا عرفانی یا علوم تجربی یا جامعه‌شناسی یا غیر آن. این کار، بسیار خطرناک است... لازم نیست قرآن در یک مسئله علمی حتماً نظریه داده باشد؛ زیرا قرآن در صدد و در جایگاه حل مسائل علمی نیست.^{۳۳}

ویژگی‌های تفسیر موضوعی استاد

مجموعه معارف قرآن استاد مصباح - دام ظلّه - دارای ویژگی‌های شایان توجهی است که برخی از آنها با مقداری تفاوت در بعضی دیگر از تفاسیر موضوعی یافت می‌شود؛ ولی برخی، از مختصات این تفسیر موضوعی است؛ چنان‌که برخی از این ویژگی‌ها فراگیر و در همه بخش‌ها و بحث‌های این تفسیر وجود دارد و تعدادی دیگر از چنین شمولی برخوردار نیست. مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر موضوعی استاد را می‌توان در امور زیر خلاصه کرد:

۱. فراگیری همه آموزه‌های قرآنی

استاد فرزانه بر اساس نگرش نظام‌مند خویش کوشیده است مجموعه آموزه‌های قرآن را در چارچوب یک نظام جامع گرد آورد، به گونه‌ای که حتی‌الامکان از هیچ موضوع و آموزه قرآنی غفلت نشود. استاد به این جامعیت در آغاز تفسیر موضوعی تصریح کرده است؛ هرچند به عللی از جمله محدودیت‌های برخاسته از نیازها و اوضاع اجتماعی پس از انقلاب و مسئولیت‌های علمی و مدیریتی ایشان، بخش‌هایی مانند امامت خاصه، برنامه‌های عبادی، احکام فردی و مباحث اقتصادی^{۳۴} در مجموعه معارف قرآن بررسی نشده است. البته حضرت استاد به این مباحث در طرح کلان معارف قرآن توجه داشته و جایگاه آنها را در این نظام کلی تعیین و به آنها تصریح کرده است. ایشان مجموعه آموزه‌های قرآنی را در ده محور به شرح زیر جای داده‌اند:

۱. خدانشناسی که مباحث شناخت خدا و توحید و صفات و کلیات افعالی الهی را در بر می‌گیرد.

۲. کیهان‌شناسی که شامل مباحث آفرینش جهان (زمین و آسمان‌ها و ستارگان)، پدیده‌های جوی (رعد، برق، باد، باران و...) پدیده‌های زمینی (کوه‌ها، دریاها و...) می‌شود و ضمناً عرش و کرسی و فرشتگان و جن و شیطان نیز کانون بحث قرار می‌گیرند.

روشن است که بعد از بحث از کلیات افعال الهی - که در بخش اول انجام می‌گیرد - نوبت به تفصیل افعال (خلق و تدبیر) می‌رسد و طبیعی است که بحث از آفرینش جهان، بر آفرینش انسان مقدم است.

۳. انسان‌شناسی که مباحث آفرینش انسان، ویژگی‌های روح، کرامت و شرافت انسانی، مسئولیت و شرایط آن (آگاهی، قدرت عمل، اختیار)، ابعاد مختلف وجود انسان، سنت‌های الهی در تدبیرات فردی و اجتماعی، معاد و سرنوشت نهایی بشر را در بر می‌گیرد. در این مرحله روشن می‌گردد که زندگی دنیا مقدمه‌ای برای آخرت است و

انسان باید در دنیا خود را برای بهره‌مندی در چنین جهانی از طریق موفقیت در آزمونهای الهی آماده سازد .

۴. راه‌شناسی که شامل مباحث شناخت‌های عادی (انواع علم حضوری و حصولی متعارف) و غیرعادی (الهام و وحی) می‌شود و در آن، مسئله «نبوت» و ضرورت بعثت انبیا، و هدف آن، و نیز مقامات ایشان (نبوت، رسالت، امامت) و همچنین مسائل اعجاز و عصمت مطرح می‌گردد و سرانجام، مسئله جانشینی انبیا (امامت به معنای خاص) کانون بحث قرار می‌گیرد.

ارتباط این بخش با بخش قبلی روشن است؛ زیرا بعد از آنکه معلوم شد انسان موجودی است انتخاب‌گر که باید راه خود را آزادانه برگزیند؛ نیاز به شناختن «راه» مطرح می‌شود که موضوع این بخش است.

۵. راهنماشناسی که شامل مباحث تاریخ انبیا و ویژگی‌های هر یک و کتاب‌هایی که بر ایشان نازل شده و محتویات آنهاست و به تاریخ پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و حوادثی که در زمان حیات آن حضرت اتفاق افتاده می‌انجامد و ضمناً تاریخ اقوام و ملل و سایر داستان‌های قرآن، مطرح می‌گردد.

ترتیب این بخش بر بخش پیشین نیز روشن است؛ زیرا پس از آنکه دانستیم که وحی و نبوتی در کار است، نوبت می‌رسد به شناختن کسانی که گیرنده وحی و رساننده آن به مردم بوده‌اند.

۶. قرآن‌شناسی که مباحث کلی درباره قرآن و ویژگی‌های آن، هدف نزول، کیفیت نزول، اعجاز، جهانی بودن، ابدی بودن، اسلوب بیان (استدلال عقلی، موعظه، جدل، تمثیل، قصص و...) و مباحث محکم و متشابه و تأویل را شامل می‌شود.

ترتیب این بخش بر بخش سابق نیز روشن است؛ زیرا پس از آنکه از کتاب‌های آسمانی پیشین بحث شد نوبت به شناختن آخرین کتابی می‌رسد که نازل شده است و جاودانه باقی خواهد ماند.

۷. اخلاق یا انسان‌سازی قرآن که شامل مباحث خودشناسی و خودسازی است و نیز خیر و شر در افعال اختیاری و رابطه آنها با کمال و سعادت نهایی، روش تربیت و تزکیه قرآن (بیدار کردن انگیزه‌های خیرجویی به وسیله انذار و تبشیر) نقش ایمان و عمل و بیان رابطه آنها با یکدیگر و رابطه هر دو با علم و سرانجام تفصیل اخلاق فاضله و رذیله در این بخش مطرح می‌شود.

این بخش به این مناسبت بعد از «قرآن‌شناسی» می‌آید که در آن به این نتیجه می‌رسیم که هدف قرآن، تزکیه و تعلیم است. تزکیه بحث اخلاق و خودسازی را ایجاب می‌کند و تعلیم بحث‌های آینده را.

۸. برنامه‌های عبادی قرآن که شامل مباحث نماز، روزه، حج، قربانی، دعا و ذکر می‌شود؛ یعنی اعمالی که رکن اساسی آن را تقویت رابطه انسان با خدا شکل می‌دهد، هرچند مصالح اجتماعی بسیاری نیز در آنها منظور شده است.

۹. احکام فردی قرآن که شامل مباحثی است نظیر حلال و حرام در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها (اطعمه و اشربه و صید و ذباحت) و تجمل و زینت.

۱۰. احکام اجتماعی قرآن که شامل مباحث اجتماعی و حقوقی و سیاسی و اقتصادی است و به بخش‌های فرعی زیر منقسم می‌گردد:

(الف احکام مدنی؛ ب) احکام اقتصادی؛ ج) احکام قضایی؛ د) احکام جزایی؛ ه) احکام سیاسی؛ و) احکام بین‌المللی.

در مقدمه این بخش، جامعه از نظر قرآن بررسی می‌شود.

در این سه بخش اخیر، برنامه‌های عملی قرآن برای انسان در رابطه با خدا، و با خود، و با دیگر انسان‌ها مطرح می‌شود و تعالیم این کتاب آسمانی درباره هر بخش جداگانه بررسی می‌شود.^{۳۵}

۲. نظام‌واره‌سازی معارف قرآن

در اکثر قریب به اتفاق نگاه‌های تفسیر موضوعی، برای مجموعه معارف قرآن نظم خاصی در نظر گرفته نشده و فقط به یک یا چند بخش از معارف قرآن پرداخته‌اند؛ آن بخش از نگاه‌های تفسیر موضوعی که از جامعیت نسبی برخوردارند نیز در تنظیم بخش‌های مختلف معارف قرآن از نوعی دسته‌بندی صوری و عام فراتر نرفته و فاقد یک نظام و طرح کلان برای مجموعه معارف قرآن است. اما استاد مصباح - دامت برکاته - برای بخش‌های مختلف آموزه‌های قرآنی نظام کلانی را در مد نظر قرار داده‌اند که علاوه بر نظم هر بخش از آموزه‌های قرآنی ذیل یک عنوان کلی، عناوین کلی نیز دارای پیوند معقولی هستند و نظام جامعی را شکل می‌دهند که ارتباط منطقی یا طبیعی هریک با دیگر بخش‌ها تعیین شده است و در واقع هر بخش از معارف قرآن خرده‌نظامی را می‌سازد که در درون آن نظام جامع دارای ارتباطات دقیق و منطقی و یا طبیعی با دیگر بخش‌هاست. استاد در این زمینه می‌فرماید:

پیدا کردن عنوانی کلی برای مفهوم یک یا چند آیه مثلاً آیاتی که درباره نماز یا جهاد یا امر به معروف و نهی از منکر است، کار مشکلی نیست، ولی شکل دادن و گنج‌اندیدن عناوین در یک نظام مشکل است. یعنی فرض کنیم ما همه قرآن را بررسی کردیم و مفاهیمی را که به دست می‌آید مثلاً زیر صد عنوان دسته‌بندی کردیم؛ حال خود این عناوین را چگونه تنظیم نماییم تا یک نظام منسجمی به وجود بیاید. مثلاً آیه اول قرآن حمد خداست، پس اولین عنوان حمد خداست و آیات اول سوره بقره راجع به کسانی که هدایت شامل حال آنان می‌گردد، پس عنوان دیگر هدایت خواهد بود و همین‌طور سایر عناوین. آیا به همین ترتیب عناوین را دسته‌بندی کنیم یا می‌توان در بین اینها نیز نظامی برقرار کرد؟ این عناوین را می‌توان تحت عناوین کلی‌تری مندرج کرد. مثلاً نماز، روزه، خمس و زکات را تحت عنوان عبادات و بیع، اجاره، قرض را تحت عنوان معاملات قرار

داد. حالا خود این عناوین کلی را چگونه تنظیم کنیم و چه رابطه‌ای بین آنها تنظیم کنیم و چه رابطه‌ای بین آنها در نظر بگیریم.^{۳۶}

۳. نگرش سیستمی (نظام‌مند) طولی

استاد با نقد دیگر طرح‌های دسته‌بندی معارف قرآن، نظامی طولی را برای مجموعه معارف قرآن در نظر گرفته‌اند. این نظام طولی هم منطبق بر بینش و زبان قرآن در بیان آموزه‌های وحیانی و نیز نظام عینی جهان از منظر اسلامی است و هم برخوردار از یک انسجام ساختاری است، به‌گونه‌ای که مرحله قبلی زمینه‌ساز مرحله بعدی و مرحله بعدی فرعی از مرحله پیشین است. در این طرح جامع، معارف قرآن همانند آبشاری است که از منبع فیض الهی جریان یافته و در طی مسیر طبیعی خود به هر بخش و سرزمینی که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌سازد. استاد در این زمینه می‌فرماید:

طرح دیگر آنکه محور را «الله» بدانیم و تقسیمات را نه در عرض هم بلکه در طول یکدیگر انجام دهیم. یعنی معارف قرآن را مثل یک رودخانه جاری و آبشاری که از منبع فیض الهی سرازیر است و به هر بخشی و مرحله‌ای که می‌رسد، آنجا را سیراب می‌کند، در نظر بگیریم: *أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا* (رعد: ۱۷). (هر وادی به اندازه ظرفیتش از آبی که خدا از آسمان نازل می‌فرماید استفاده می‌کند و سیراب می‌شود).

باید معارف قرآن را مثل یک چشمه جاری ببینیم که از مرحله‌ای می‌گذرد و وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود که این مراحل، تقسیماتشان طولی است. اول نقطه معینی دارد که از آنجا شروع می‌شود و از آنجا که لبریز شد به مرحله دوم فیضان می‌کند. و مرحله دوم فرعی از مرحله اول است؛ نه اینکه در کنار آن و قسم آن باشد. گرچه تقسیمات طولی کم‌کم به جایی می‌رسد که پخش می‌شود و شاخه‌هایی هم پیدا می‌کند؛ اما اساس بر این است که معارف قرآنی را بر حسب مراتب طولی در نظر بگیریم.^{۳۷}

۴. روزآمدی و آینده‌نگری

مجموعه معارف قرآن استاد توجه ویژه‌ای به مسائل و موضوعات و شبهات و نیازهای روز و آینده دارد. اشراف و دل‌مشغولی استاد فرزانه نسبت به مسائل جامعه اسلامی و نیازهای فکری آن و احساس مسئولیت و حساسیت نسبت به آنها و ارزش‌های اسلامی، در کنار آینده‌نگری همراه با ژرف‌اندیشی ایشان زمینه لازم و کافی را برای روزآمدی و آینده‌نگری مجموعه معارف قرآن فراهم ساخته است.

با نگاهی گذرا به مباحث مطرح‌شده در معارف قرآن و حتی ملاحظه عناوین کلی ذکرشده در مقدمه معارف قرآن می‌توان به ژرفا و گستره روزآمدی و آینده‌نگری مجموعه معارف قرآن پی برد.

اشراف علمی بی‌نظیر استاد بر مباحث مطرح‌شده در علوم انسانی به‌ویژه مباحث و نظریه‌های جدید سبب گردیده است که آخرین نظریات مطرح در این علوم نیز مورد توجه قرار گیرد و بر روزآمدی مباحث بیفزاید.

پرداختن به مباحث اجتماعی مانند تأثیر متقابل فرد و جامعه، نهادهای اجتماعی، هم‌بستگی اجتماعی، نابرابری‌های اجتماعی، دگرگونی‌های اجتماعی، بحران و انقلاب اجتماعی، اصالت فرد و جامعه و مباحث مربوط به زنان، عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت و ارائه نظریه اسلام در نیازهای انسانی، به‌ویژه نهاد خانواده، عواطف، احساسات و انگیزش، گرایش‌های متعالی انسان و نظریه سیاسی قرآن، عدالت، اصلاح و افساد، جنگ و جهاد، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، نظام مردم‌سالاری دینی، مباحث معرفت‌شناختی قرآن مانند نسبیت یا اطلاق معرفت، رابطه ارزش و واقعیت، نسبیت یا اطلاق ارزش‌ها و موضوعات جدید فراوان دیگری که حضرت استاد پیش از انقلاب در مجموعه مباحث معارف قرآن ارائه کرده‌اند، گواه روزآمدی و آینده‌نگری در «معارف

پاسخ‌گویی به شبهات نو، چهره دیگری از روزآمدی و آینده‌نگری است که در مجموعه معارف قرآن، با سه ویژگی مورد توجه قرار گرفته است: نخست آنکه از پرداختن به شبهات منسوخ مانند حدوث و قدم کلام خداوند و شبهات کم‌اهمیت و بی‌ثمر که صرفاً نوعی مناقشات فنی یا وسواس فکری است، پرهیز شده است؛ دوم آنکه در هر بحث ابتدا دیدگاه درست تبیین و به صورت مستدل و با بیان روشن ارائه شده است و از این طریق علاوه بر آنکه مخاطب ابتدا دیدگاه درست را به صورت مستدل فرا می‌گیرد، پاسخ بسیاری از شبهات خود را می‌یابد؛ سوم آنکه شبهات مهم یا جدید علمی و فکری مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

۵. انسجام و اتقان روش‌شناختی

استاد فرزانه در تفسیر موضوعی خویش نکات روش‌شناختی متعددی را مد نظر قرار داده‌اند که سبب انسجام و اتقان ویژه این مجموعه گردیده است:

نخست آنکه در مباحث، تبیین‌ها و دلیل‌های قرآنی را از سایر مباحث متمایز و مدعیات قرآنی را دقیقاً به آیات مستند کرده است.^{۳۹}

دوم آنکه در هر رویکرد از روش‌ها و دلیل‌ها و مستندات متناسب و معتبر همان رویکرد بهره گرفته شده است. برای مثال در رویکرد فلسفی به برخی مباحث، ادله و روش عقلی و در رویکرد علمی، روش و داده‌های علمی و در رویکرد تفسیری، مستندات قرآنی مورد توجه قرار گرفته است.^{۴۰}

سوم آنکه در هر موضوعی مباحث را بر دلیل‌ها و تبیین‌های متقن و روشن و نوعاً مورد اتفاق و مسلّم متمرکز ساخته است و در مواردی که آیات و ادله درجه دلالت یا اعتبار کمتری دارد، بر درجه دلالت و اعتبار آن تصریح شده است. استاد در موارد فراوان بر اینکه دلالت آیه یا آیاتی بر مطلبی در حد ظهور یا احتمال است، تصریح و تأکید کرده‌اند.^{۴۱}

چهارم آنکه از روشی که قرآن کریم در فهم آیاتش ارائه می‌دهد (ارجاع متشابهات به محکمت) بهره گرفته، داده‌های قطعی و مسلم را تکیه‌گاه قرار داده و موارد غیرقطعی را بر اساس آن تبیین کرده است.

پنجم آنکه رویکرد انتقادی به معنای صحیح آن مورد عنایت ویژه، ایشان قرار گرفته است. استاد فرزانه با دیدگاه‌ها، دلیل‌ها و مستندات، رویکردی انتقادی به معنای صحیح کلمه دارند و در عین احترام نهادن به آرای صاحب‌نظران، بیان نقاط قوت و ضعف دلایل و دیدگاه‌ها را با روش متین علمی پی می‌گیرند.^{۴۲}

۶. نوآوری در ساختار و محتوا

مجموعه معارف قرآن، هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی از نوآوری برخوردار است. نوآوری ساختاری این مجموعه، ارائه طرحی نو برای تنظیم ساختار کلان آموزه‌های قرآنی است که پیش‌تر به آن اشاره شد. الله‌محوری، تسلسل طبیعی و منطقی، نگرش نظام‌مند به آموزه‌های قرآن، فقدان ابهام در جایگاه مباحث، سازگاری و انطباق کامل با رویکرد قرآن کریم به موضوعات، شفافیت و مرزبندی دقیق محورها، عناصر و مؤلفه‌هایی است که این مجموعه را از جهت ساختاری، ممتاز ساخته است.

نوآوری محتوایی معارف قرآن در پرداختن به موضوعات جدیدی است که در دیگر تفاسیر موضوعی نمی‌توان یافت. توجه به مباحث و دیدگاه‌های علمی جدید در تبیین آیات، ارائه دیدگاه‌های قرآنی نو و تبیین‌ها و تحلیل‌های ابداعی نشئت‌گرفته از اندیشه خلاق استاد فرزانه، نمونه‌هایی از نوآوری‌هاست که در جای‌جای معارف قرآن، می‌توان یافت.

نکته شایان توجه آنکه نواندیشی و نوآوری استاد با کمال تحفظ بر ظواهر آیات و رعایت دقیق روش علمی و ضابطه‌مند فهم و تفسیر قرآن صورت می‌گیرد^{۴۳} و یادآور بیانات و موضع‌گیری دقیق، حکیمانه و گران‌سنگ بنیان‌گذار جمهوری اسلامی حضرت

امام خمینی قدس سره است که در عین تأکید بر پویایی فقه و لحاظ نقش زمان و مکان در فهم ادله فقهی، بر رعایت دقیق روش فقه جواهری تأکید کردند.

۷. بهره‌گیری حداکثری از قرآن

مجموعه معارف قرآن مبتنی بر بهره‌گیری حداکثری از قرآن کریم، در اشکال و سطوح مختلف است. از یک سو حضرت استاد در انتخاب موضوعات، اولویت‌بندی آنها و تدوین ساختار کلان، از قرآن کریم بهره گرفته است و با محور قرار دادن الله مجموعه عناوین و موضوعات معارف قرآن را تعیین و تنظیم کرده و ساختار کلان را با الله محوری الهام گرفته از قرآن کریم طراحی نموده است. از سوی دیگر شیوه طرح و بررسی موضوعات نیز هماهنگ و همسو با رویکرد قرآنی است و برای مثال مسائل تاریخی مطرح شده در قرآن را با صبغه تاریخ انبیا مطرح می‌کند. و حتی جریان‌ات و شخصیت‌های تاریخی مهمی را که مستقیماً در تاریخ انبیا نمی‌گنجد تحت عنوان امم انبیا به آنها می‌پردازد تا بر اصل الله‌محوری پایبند بماند. از سوی دیگر مجموعه مباحث تفسیر موضوعی استاد همانند قرآن دارای اهداف آموزشی، انگیزشی و رفتاری است و همانند سیاق کلی بیان قرآن کریم مباحث علمی و آموزشی با مسائل ارزشی و هنجاری پیوند ویژه یافته است. مجموعه معارف قرآن با آنکه در صدد معرفی و تعلیم آموزه‌های قرآنی به صورت موضوعی است، همانند آیات شریفه علاوه بر محتوای آموزشی، اهداف و نکات تربیتی و اخلاقی و انگیزشی و رفتاری را نیز در بردارد.^{۴۴}

۸. روانی و رسایی بیان در عین ژرف‌نگری

مجموعه معارف قرآن در عین برخوردار از ژرفا، اتقان محتوا و تحلیلی و استدلالی بودن مباحث، از بیانی روان و رسا برخوردار است. نه روانی و رسایی بیان، عمق محتوا و تبیین‌های علمی را کم‌رنگ کرده است و نه ژرف‌نگری و اتقان محتوا سبب دشوار فهمی و ابهام و شفافیت نبودن بیان گردیده است.^{۴۵} البته طبیعت برخی مسائل فنی و نیازمندی به پاره‌ای مقدمات علمی، فهم برخی از مباحث را برای کسانی که آن مقدمات

را فرا نگرفته و با آن حوزه علمی بیگانه‌اند تا حدی دشوار می‌نماید، ولی این امر به ماهیت موضوعات مطرح شده مربوط است نه شیوه بیان؛ و با توجه به سطح علمی آن مطالب، بیان استاد روان و رسا و بدون اغلاق و ابهام است.^{۴۶}

نتیجه‌گیری

۱. تفسیر موضوعی اصطلاح جدیدی است که در قرن اخیر قرآن‌پژوهان به عنوان عدل تفسیر ترتیبی مطرح کرده‌اند و مقصود از آن، بیان مفاد واژگان و عبارات آیات قرآن کریم و پرده برداشتن از مراد خداوند در موضوعی از موضوعات با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و بر اساس روش گفت‌وگوی عقلایی و ادبیات زبان عربی است.

۲. مهم‌ترین کاربردهای تفسیر موضوعی در آثار قرآن‌پژوهان عبارت‌اند از: ۱. تفسیر الکلّمه یا تفسیر لفظی که ناظر به آثاری است که به نحوی به تبیین و توضیح واژه‌های قرآن پرداخته‌اند؛ ۲. تفسیر وصفی و تصنیفی که ناظر به تحقیقاتی قرآنی است که به دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن یا توصیف آموزه‌های قرآنی می‌پردازد؛ ۳. تفسیر تحلیلی و تبیینی که قرآن‌پژوه با طرح مسئله‌ای که برگرفته از متون دینی یا مسائل علمی یا واقعیت‌های خارجی است، در صدد برمی‌آید تا دیدگاه قرآن را درباره آن کشف کند. استاد مصباح مصادیق تفسیر موضوعی به معنای نخست را خارج از قلمرو تفسیر موضوعی و اصطلاح تفسیر موضوعی را شایسته کاربرد دوم و به ویژه سوم می‌داند. معارف قرآن استاد مصباح، مجموعه‌ای از مصادیق تفسیر موضوعی به معانی دوم و سوم است.

۳. تفسیر موضوعی در کاربردهای اول و دوم دارای سابقه‌ای طولانی است ولی تفسیر موضوعی در کاربرد سوم (تحلیلی و تبیینی) و به عنوان عدل تفسیر ترتیبی پیشینه‌ای طولانی ندارد و آنچه را در قرون پیشین وجود داشته است می‌توان خمیرمایه

و ادبیات تفسیر موضوعی به این معنی دانست. اصطلاح تفسیر موضوعی به عنوان نوعی از تفسیر در برابر تفسیر ترتیبی در قرن اخیر مطرح شده است.

۴. استقبال گسترده قشرهای تحصیل کرده به ویژه قشر جوان برای آگاهی از دیدگاه‌های قرآن در زمینه‌های فردی و اجتماعی به خصوص پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، لزوم عرضه معارف قرآن و اسلام در قالب نظریه در برابر مکاتب رقیب و مقابله با تحریف‌ها و شبهه‌افکنی دشمنان اسلام در کارآمدی قرآن، ضرورت تفسیر موضوعی را در عصر حاضر آشکار می‌کند.

۵. مراحل تفسیر موضوعی عبارت‌اند از: ۱. انتخاب موضوع یا مسئله؛ ۲. تحدید مفهومی موضوع یا مسئله؛ ۳. استخراج و گردآوری آیات مرتبط با موضوع یا مسئله؛ ۴. تعیین حد دلالت آیات؛ ۵. تعیین نوع ارتباط آیه با موضوع؛ ۶. دسته‌بندی منطقی ریزموضوعات؛ ۷. تفسیر هریک از آیات گردآوری شده.

۶- تفسیر موضوعی به لحاظ‌های مختلف اقسام گوناگونی دارد. از جمله از نظر دامنه به تفسیر موضوعی سوره، مجموعه آیات و کل قرآن؛ از منظر فراگیری به جزءنگر، کل‌نگر و جامع؛ از نظر برد به کوتاه‌برد، میان‌برد و کلان‌برد؛ و از نظر ارزشی و غیر ارزشی بودن به هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و هنجارشناختی، و از جهت ترکیب یا خلوص به تفسیر موضوعی محض و تلفیقی و به لحاظ مدل تحلیل گزاره‌ها به تفسیر موضوعی توصیفی و تفسیر موضوعی تبیینی (کارکردی / علی / غایی) قابل تقسیم است. به لحاظ ماهیت و سنخ‌شناسی به لحاظ ارزشی یا غیر ارزشی بودن

۷. مهم‌ترین آسیب‌های تفسیر موضوعی عبارت‌اند از: ۱. غفلت از سیاق؛ ۲. نگرش تک بعدی؛ ۳. تحمیل رأی و تطبیق ناروا. تمام این آسیب‌ها مورد توجه استاد بوده و علاوه بر بحث نظری درباره آنها، در معارف قرآن برای زدودن آنها بسیار کوشیده‌اند. ایشان درباره غفلت از سیاق هشدار داده و راه‌کار مصونیت از آن را ارائه کرده‌اند. در طرح جامع معارف قرآن ابعاد مختلف معرفتی، انگیزشی و رفتاری انسان در حوزه‌های

فردی و اجتماعی را در مد نظر قرار داده و از آسیب دوم مصون مانده‌اند، و در زمینه آسیب سوم علاوه بر آنکه خود استاد بر رعایت دقیق ضوابط تفسیر اهتمام ورزیده و از تحمیل بر قرآن و تفسیر به رأی اجتناب ورزیده‌اند، برخی از تفاسیری را که به تفسیر به رأی و تطبیق ناروا گرفتار شده‌اند طرح و نقد کرده‌اند.

۸. ویژگی‌های تفسیر موضوعی استاد مصباح عبارت‌اند از: ۱. فراگیری همه آموزه‌های قرآن؛ ۲. نظام‌واره سازی معارف قرآن و تعیین ارتباط منطقی یا طبیعی هر بخش با دیگر بخش‌ها؛ ۳. نگرش سیستمی (نظام‌مند) طولی که هم با بینش و زبان قرآن و با نظام عینی جهان از منظر اسلامی منطبق است و هم برخوردار از انسجام ساختاری؛ ۴. روزآمدی و آینده‌نگری که از جمله در پرداختن به مباحث اجتماعی و پاسخ به شبهات جدید نمود یافته است؛ ۵. انسجام و اتقان روش‌شناختی که متمایز ساختن تبیین‌ها و دلیل‌های قرآنی از سایر مباحث، بهره‌گیری از ادله و مستندات متناسب در هر رویکرد، بنا نهادن مباحث بر دلیل‌ها و تبیین‌های متقن و نوعاً مورد اتفاق از جمله شواهد آن است؛ ۶. نوآوری در ساختار و محتوا که الله محوری، تسلسل طبیعی مباحث، نگرش نظام‌مند و پرداختن به موضوعات نو نمونه‌های بارز آن است؛ ۷. بهره‌گیری حداکثری از قرآن در انتخاب موضوعات و اولویت‌بندی بین آنها و شیوه بررسی و طرح مباحث.

پی‌نوشت‌ها

۱. بر همین اساس مرحوم علامه فرموده‌اند: فلائی (آقای مصباح) هم در تفسیر ما شریک شده است (رک: رضا صنعتی، مصباح دستان: ناگفته‌هایی از زندگی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۸).
۲. ترجمه کامل تفسیر شریف المیزان به قلم گروهی از شاگردان درس تفسیر مرحوم علامه از جمله حضرت استاد مصباح - دام ظلّه - در بیست جلد به همت مرکز نشر فرهنگی رجا منتشر شده است.
۳. تقریرات و یادداشت‌های مکتوب بخشی از دروس تفسیر ترتیبی استاد که برخی از شاگردان ایشان نگاشته‌اند و نیز نوارهای صوتی بخشی دیگر از آن در آرشیو مجموعه آثار استاد موجود است.
۴. تاکنون قسمتی از تفسیر سوره بقره در مجله علمی - تخصصی قرآن‌شناخت منتشر شده است و نیز تفسیر آیات آغازین سوره مؤمنون و آیات آخر سوره فرقان در یک جلد با عنوان «رستگاران» به چاپ رسیده است.
۵. استاد فشرده این مباحث را در ۹۲ درس با عنوان خداشناسی، انسان‌شناسی و... برای حدود ۱۲۰ تن از استادان رشته‌های مختلف علوم انسانی که عضو گروه‌های پژوهشی طرح بازسازی علوم انسانی بودند، تدریس کرده‌اند. در این مباحث فشرده مباحث اقتصادی قرآن هم آمده است که در مجموعه معارف قرآن وجود ندارد.
۶. البته پیش از تدوین و انتشار مجموعه معارف قرآن بحث «خلقت انسان از دیدگاه قرآن» به عنوان بخشی از تفسیر موضوعی استاد به همت حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمود محمدی عراقی تدوین و منتشر شده است.
۷. تفسیر موضوعی استاد مصباح در آثار ذیل مورد توجه قرار گرفته است:
 ۱. سید محمدعلی ایازی، «نگاهی به تفاسیر موضوعی معاصر»، کیهان اندیشه، ش ۲۸، بهمن و اسفند ۱۳۶۸، ص ۱۴۵، ۱۴۶؛
 - وی در بیان «روش‌های تفسیر موضوعی» از روش استاد با عنوان «شیوه خدامحوری» بحث کرده است.

۲. سید ابراهیم سجادی، «شکوفایی تفسیر موضوعی در بستر قرن اخیر»، *پژوهش‌های قرآنی*، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۱۳۵، ۱۳۶؛ او در بیان تصاویر مختلفی که از پیوستگی مفاهیم قرآن ارائه کرده، از استاد مصباح به عنوان کسی که به «نظریه ارتباط سیستمی مفاهیم قرآن» معتقد است سخن گفته است.
۳. سید هدایت جلیلی، *تفسیر موضوعی؛ چستی، بنیان‌ها و پیش‌فرض‌ها*، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱-۱۲۶؛ وی نیز در بیان «مراحل اساسی پژوهش»، کتاب *جامعه و تاریخ در قرآن استاد مصباح* را به عنوان یکی از نمونه‌های تفسیر موضوعی مورد توجه قرار داده و به توصیف مراحل پرداخته که استاد در آن پیموده است.
۸. محمدحسین ذوالفقاری، *تفسیر موضوعی از دیدگاه شهید صدر(ره) و استاد مصباح یزدی(دام‌الله)*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)، گروه تفسیر و علوم قرآن، پاییز ۱۳۸۶، ۱۳۸۶.
۹. ساختار معناشناختی واژگان قرآنی که نوعی تحلیل معنایی الفاظ قرآنی است و در سال‌های اخیر و در آغاز مستشرقان آن‌را صورت داده‌اند، فراتر از تفسیر لفظی و ناظر به خانواده معنایی کلمات قرآن است و ماهیتاً نوعی تفسیر است نه کار لغت‌شناسی و مرحله‌ای از کاربرد سوم تفسیر موضوعی می‌باشد.
۱۰. رک: محمدتقی مصباح یزدی، (گفت‌وگو) «تفسیر موضوعی»، *مجله معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۷.
۱۱. همان، ص ۷.
۱۲. همان، ص ۶.
۱۳. البته استاد به آثاری از این مقولات نظر دارند که فراتر از جمع‌بندی مفاد آیات به‌حسب تفسیر ترتیبی و در صدد ارائه نظر قرآن در موضوعی خاص هستند.
۱۴. محمدتقی مصباح یزدی، (گفت‌وگو) تفسیر موضوعی، *مجله معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۶.
۱۵. دسته‌بندی‌های مختلف آیات قرآن مانند قسم‌های قرآن و مثل‌های قرآن یا کاربردهای مختلف واژه‌های قرآنی در آیات مانند کاربردهای گوناگون واژه‌های ظلم، کفر، اسلام، ایمان که در روایات مطرح شده است، مشتمل بر نوعی تفسیر موضوعی پنهان است. همچنین تفسیر قرآن به قرآن و استنتاج معارف قرآنی با کنار هم نهادن آیات مختلف مرتبط با هم و نیز آثاری که دانشمندان قرآن‌پژوه در موضوعاتی مانند محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، آیات‌الاحکام، و قصص قرآن تدوین کرده‌اند، جزو پیشینه تفسیر موضوعی به معنای دوم و سوم است.
۱۶. محمدتقی مصباح یزدی (گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، *معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۶.
۱۷. همو، *معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، ص ۱۸.
۱۸. همان، ص ۱۸ - ۱۹.
۱۹. رک: سیدمحمدباقر صدر، *المدرسة القرآنية*، ص ۲۸-۳۵.
۲۰. محمدتقی مصباح یزدی (گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، *معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۹.
۲۱. همو، *معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، کیهان‌شناسی*، ص ۳۶۸. استاد فرزانه این شیوه را در موارد فراوان در معارف قرآن به کار گرفته است رک: همان، ص ۳۶، ۱۶۸، ۱۹۵ - ۱۹۷، ۲۲۱؛ همو، *حقوق و سیاست در قرآن*، ص ۲۱؛ استاد در مباحث فلسفی نیز بر ضرورت این شیوه تأکید کرده‌اند(رک: محمدتقی مصباح یزدی، *آموزش فلسفه*، ج ۱، ص ۶۰ و ۶۱).
۲۲. محمدتقی مصباح یزدی(گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، *معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۱۰.
۲۳. همان.
۲۴. البته تهیه ریز موضوعات و دسته‌بندی آنها منحصر به مطالعه آیات و برداشت اجمالی از آنها نیست، بلکه مطالعات بیرونی و مسائل اجتماعی نیز می‌تواند مفسر موضوعی را در این زمینه یاری کند.
۲۵. محمدتقی مصباح یزدی(گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، *معرفت*، ش ۱۳۶، ص ۱۰.

۲۶. همان، ص ۱۰ و ۱۱.
۲۷. همان، ص ۱۱ و ۱۲.
۲۸. همان، ص ۱۷.
۲۹. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی (گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، معرفت، ش ۱۳۶، ص ۷. استاد تفسیر شریف المیزان را نمونه تفسیر موضوعی تلفیقی می‌داند.
۳۰. محمدتقی مصباح یزدی (گفت‌وگو)، «تفسیر موضوعی»، معرفت، ش ۱۳۶، ص ۱۴ و ۱۵.
۳۱. از آنجا که تفسیر ترتیبی آیات گردآوری شده یکی از مراحل تفسیر موضوعی است، دیگر آسیب‌های تفسیر ترتیبی مانند تفسیر به هوا، و غفلت از قواعد نیز در تفسیر موضوعی می‌تواند رخ دهد.
۳۲. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۱۹.
۳۳. همان، ص ۲۲۹-۲۳۵.
۳۴. دلیل دیگر طرح نکردن این مباحث در مجموعه معارف قرآن آن است که در دیگر آثار استاد به آنها پرداخته شده است. به عنوان مثال امامت خاصه در کتاب‌های الامامه والولایة فی القرآن الکریم، آموزش عقاید و اصول عقاید (۲) استاد بحث شده است. گفتنی است که مباحث اقتصادی قرآن در سلسله درس‌های استاد برای استادان دانشگاه عضو گروه‌های پژوهشی دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ارائه شده است.
۳۵. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۲۱.
۳۶. همان، ص ۲۰.
۳۷. همان، ص ۲۲ و ۲۳.
۳۸. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی انسان‌شناسی، ص ۳۶۱-۳۸۶ و ۴۱۲-۴۲۴؛ همو، جامعه و تاریخ در قرآن، ص ۱۷۳-۳۷۵؛ همو، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۱۳-۱۵۰ و ۳۱۱ تا ۳۳۳، ج ۲، ص ۴۱-۳۴۵؛ همو، جنگ و جهاد در قرآن، ص ۲۶-۷۲ و ۱۵۵-۱۸۹؛ همو، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۷۱-۳۱۷؛ همو، جزوه حقوق و سیاست در قرآن، ج ۲، جلسات ۲۰۶ - ۲۱۱.
۳۹. برای نمونه ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ در قرآن، بخش چهارم و پنجم؛ و همو، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۳۶۷ - ۳۸۶.
۴۰. همان.
۴۱. برای نمونه، ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، قرآن‌شناسی، ج ۱، ویراست دوم، ص ۳۸-۷۰.
۴۲. برای نمونه، ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۷۲، ۷۹، ۳۳۳، ۳۳۷
۴۳. محمدتقی مصباح یزدی، معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی، ص ۳۳ - ۹۷.
۴۴. این ویژگی در مجلد نخست اخلاق در قرآن که به بررسی رابطه انسان با خدا می‌پردازد بیشتر آشکار است که یکی از بارزترین نمونه‌های آن، بحث «محبت خدای متعال» است که بسیار جذاب و اثرگذار است.
۴۵. شایان توجه است که به دلیل تدوین مجموعه معارف قرآن توسط محققان مختلف، برخی نواقص در نگارش آن پدید آمده که امید است ان‌شاءالله در بازنگری این مجموعه برطرف شود.
۴۶. مباحث متنوع مربوط به خداشناسی و بحث جبر و اختیار، نمونه‌های بارز بحث‌های پیچیده‌ای است که با بیان روان استاد فهم آن بسیار آسان شده است.

منابع

- الصدر، سیدمحمدباقر، *المدرسة القرآنية، الطبعة الاولى*، قم، مرکز الابحاث و الدراسات التخصصيه للشهيد الصدر، ۱۴۲۱ق / ۱۳۷۹ش.
- صنعتی، رضا، *مصباح دوستان: ناگفته‌هایی از زندگی علمی و سیاسی آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، همای غدیر، ۱۳۸۳.
- مصباح یزدی، محمدتقی، «تفسیر موضوعی» (گفت‌وگو)، *معرفت*، ش ۱۳۶، فروردین ۱۳۸۸، ص ۱۸۵.
- _____، *معارف قرآن (۱-۳) خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
- _____، *آموزش فلسفه*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ هفتم ۱۳۷۰ش.
- _____، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- _____، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، چ ششم، ۱۳۸۷.
- _____، *جنگ و جهاد در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۲.
- _____، *حقوق و سیاست در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۷.
- _____، *قرآن‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۷، ج ۱.
- _____، *حقوق زن در اسلام*، جزوه حقوق و سیاست، ج ۲، جلسات ۲۰۶ - ۲۱۱.

